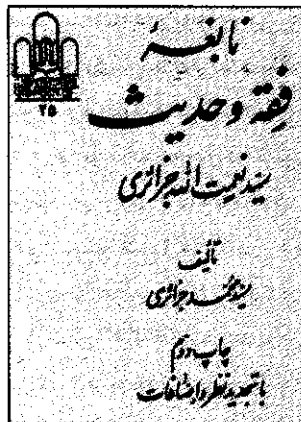


## معرفی‌های اجمالی

وارستگی و پیراستگی جان از زشتیها و ... ستوده شده است (۲۶-۲۱) آنگاه مؤلف در بحثی با عنوان «ولادت و نشو و نماى سيد نعمت الله» به زندگانی سید پرداخته است. در این بخش از کودکی، آغاز تحصیل وی در جزائر، هجرت سید به شیراز برای فراگیری دانش، بازگشت به جزائر و ازدواج وی، عزیمت دوباره به شیراز و آنگاه حضور در اصفهان و ملاقات با محدث بزرگ تشیع علامه مجلسی، اقامت در محضر علامه و یاری‌رسانی او در نگارش مجموعه عظیم بحار الأنوار، بازگشت وی به جزائر، اقامت در شوشتر و بنیاد نهادن مدرسه جزائریه و ... سخن رفته است، (۳۸-۲۷) مؤلف در این صفحات نشان داده است که سید نعمت الله جزائری عالمی بوده است سختکوش، نفس‌کشته، معادباور، دنیاگریز، نستوه در برابر نامالیمات و ...

پس از گزارش سوانح زندگانی جزائری مؤلف به گزارش توصیفی و تحلیلی آثار سید پرداخته است در این بخش مؤلف در آغاز از کوششهای جزائری در حفظ و حراست آثار پیشینیان سخن می‌گوید و بدین آثاری از پیشینیان برمی‌شمارد که او کتابت کرده است و آنگاه از کتابخانه سید سخن گفته است و سپس از تألیفات وی. در بخش تألیفات از پنجاه اثر وی به تفصیل یاد کرده و چگونگی آنها را بازگفته و لغزشها و اشتباهات بسیاری از مؤلفان و فهرستنگاران را برنموده است. به مثل نام یکی از آثار سید در برخی از شرح حال نگاریها «غرائب الأخبار فی نوادر الآثار» یاد شده است (امل الأمل ۲/ ۳۶۶، الفوائد الرضویه/ ۶۲۴) مؤلف نشان داده است که عنوان صحیح آن «نوادر الأخبار» است، و نه «غرائب...» و

نابغه فقه و حدیث، سید نعمت الله جزائری، سید محمد جزائری



عالم جلیل، محدث کبیر، سید نعمت الله جزائری از ادیبان، محدثان، فقیهان بزرگ شیعه در قرن یازدهم هجری و آغازین سالهای قرن دوازدهم است. آن بزرگوار را به سختکوشی در تألیف، وسعت اطلاعات و تبحر در حدیث ستوده‌اند. این کتاب

شرحی است جامع، دقیق از زندگانی، آثار، اندیشه، استادان، شاگردان و فرزندان آن عالم جلیل. آنچه اکنون در پیش روی ماست چاپ دوم کتاب است که پس از بیست و سه سال که از چاپ اول می‌گذرد با استدراکات و اضافاتی نشر یافته است. چاپ اول کتاب توجه عالمان و محققان را جلب کرده بود؛ از جمله علامه شوشتری رجالی عظیم معاصر درباره آن نوشته است «این کتاب را که در شرح حال جد امجد خود، محدث جزائری رضوان الله علیه نوشته‌اند کتابی است بسیار نفیس و پرارج چه در آن فوایدی است که در کتاب دیگر دیده نمی‌شود و نکاتی است که از کس دیگر شنیده نمی‌شود.» (مقدمه/ ۱۱)

مؤلف در آغاز ستایشها و ارجمندیهای عالمان و شرح حالنگاران، از شخصیت علمی جزائری را گزارش کرده است. در این نگاشته سید جزائری به جلالت قدر، فقاقت، چیرگی در ادب عربی، خبرویت در حدیث، سلامت نفس

لغزشها، از جمله، در ذیل شرح حال ملا محمد زمان شوشتری از شاگردان سید از دو اجازه سید به وی یاد کرده است، و آنگاه تنبّه داده است که رجالی و کتابشناس بزرگ شیخ آقا بزرگ تهرانی این دو اجازه را برای دو نفر تلقی کرده است که نادرست است. و نیز بنگرید به ص ۳۲۵. (۲۳۷-۳۳۸) پس از یادکرد شاگردان مؤلف محقق از وفات و آرامگاه سید یاد کرده و تأکید کرده است که وی در شب جمعه بیست و سوم شوال ۱۱۱۲ زندگی را بدرود گفته است و تاریخ های دیگر که در برخی از منابع معاصر آمده است اشتباه است (۳۳۹-۳۴۲) در بخش بعدی مؤلف از نیاکان سید سخن گفته است (۳۴۱-۳۵۴) و آنگاه از اولاد سید. در بخش اولاد سید نعمت الله. مؤلف به تفصیل از شرح حال، استادان و شاگردان و آثار و فرزندان سید نورالدین سخن گفته است که از محققان، ادیبان، مؤلفان بزرگ است، و از جمله آثار سودمند اوست: فروق اللغات (۳۵۸-۴۲۲) و در پایان این بحث به برخی از اشتباهات راه یافته در آثار مؤلفان معاصر تنبّه داده است. مؤلف محقق با آنچه یاد شد به پایان کتاب نزدیک شده است، و در صفحات پایانی عنوانی گشوده است بدین سان، «فواید گوناگون» و در ذیل آن به نکات سودمند تاریخی، شرح حالنگاری، اجتماعی و ادبی پرداخته است، از جمله اینکه «در خانه خدا پاسبانانی مخالف تازیانه به دست مزاحم حاجیان و زوآر و مانع انجام فرائض و مستحبات می شدند و آنان را به قطع عبادت و ترک مسجد وامی داشتند و در حالی که سید مشغول نماز بود به طرف او رفته و مزاحم وی گردیدند، پس سید در آن حال این آیه را خواند «أرأیت الذی ینهی، عبداً اذا صلی» پس او را به حال خود گذاشته و دور شدند (۴۲۶)

آیا اکنون در آن دیار جز این برزائران می رود، گویا آسمان هماره و همه جا یک رنگ است و «الناس، ناس و الزمان، زمان». مؤلف در پایان کتاب برخی از منابع کتابش را معرفی کرده است. کتاب «منابع فقه و حدیث» کتابی است سودمند و خواندنی.

محمد علی مهدوی راد

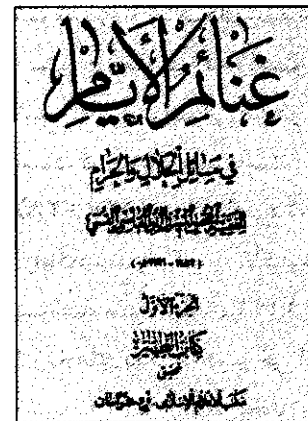
دو مجلد است و نه یک مجلد چنانکه در کتاب ارجمند «ریاض العلماج ۵/۲۵۴» آمده است وی تنبّه داده است که همین کتاب در هدیه العارفین بغدادی (ج ۲/۲۹۲) نوادرات الآثار فی التاریخ» آمده است.

در کتاب ارجمند «روضات الجنّات ج ۸/۱۵۳» کتابی به سید نعمت الله جزائری نسبت داده شده است با عنوان «رسالة فی فروق اللغه» پس از وی شرح حال نگاران به اعتماد به آن کتاب چنین کتابی را به سید نسبت داده اند، (فوائد الرضویة/ ۶۲۴، الذریعه، ج ۱۶/۱۸۷، الأعلام ج ۹/۱۲، فهرست کتابهای چاپی عربی/ ۶۶۴...) روشن است که عنوان درست آن «فروق اللغات» است نگاشته سید نورالدین جزائری فرزند سید نعمت الله؛ که مؤلف بدان تنبّه داده است (۹۵).

پس از گزارش تفصیلی آثار مؤلف به تفصیل از استادان و مشایخ سید نعمت الله سخن گفته است. در این بخش شرح حال و آثار بیست تن از عالمان و محدثان گزارش شده است، از جمله میرزا ابراهیم فرزند ملاصدرا امیر اسماعیل فرزند امیر محمد باقر خاتون آبادی، علامه مجلسی، آقا حسین خوانساری، شیخ محمد حرّ عاملی، فیض کاشانی و ... این بخش فواید رجالی و کتابشناسی و ادبی شایسته ای دارد. مؤلف در این بخش نیز به برخی از اشتباهات و لغزشهای راه یافته در آثار برخی از نویسندگان اشاره کرده است، از جمله اینکه در قصص العلماء آقا جمال خوانساری از استادان سید به شمار آمده است که از همدوره های وی بوده است و نه استاد وی. و نیز یادآوری کرده است که در برخی از نگاشته ها تاریخ درگذشت آقا جمال را ۱۰۲۵ یاد کرده اند که نادرست و صحیح آن ۱۱۲۵ است و نیز بنگرید به ص ۲۱۱ و ۱۹۴ ... (۱۳۹-۲۳۵).

سید نعمت الله جزائری افزون بر میدان تتبع و تألیف در میدان تدریس نیز چیره دست بود و سختکوش بسیاری از عالمان از محضر پر فیض او بهره برده اند و بسیاری از وی اجازه روایت گرفته اند، مؤلف در این بخش شرح حال و آثار شاگردان و مجازان از سید نعمت الله جزائری را گزارش کرده است. او در این بخش از ۳۶ تن از محدثان و محققان یاد کرده است این یاد کردها با نکته های ارجمند همراه است. شرح حال نگاری و کتابشناسی، و نیز تنبّه هایی به برخی از

غنائم الأيام فی مسائل الحلال والحرام. میرزا ابوالقاسم قمی، تحقیق: مرکز



تحقیقات اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی، واحد مشهد. ج ۳ (۵۸۴ ص + ۶۳۱ ص + ۵۶۷ ص)، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.

فقه استدلالی شیعه مهمترین دستاورد هزار ساله فقها است. تاریخ فقه در مکتب تشیع تاریخ افتخارات علمی

علمای راستین اسلام است. علوم عقلی - چون منطق، کلام، فلسفه، عرفان نظری، و نیز ریاضیات و نجوم - همیشه در حوزه‌های علمی با فراز و نشیب و اقبال و ادبار مواجه بوده‌اند، اما علمی که هرگز از اقبال بر آن کاسته نشد فقه می‌باشد. در هر دوره و برهه‌ای توجه به فقه اصلی‌ترین وظیفه حوزویان بشمار رفته است. اکنون نیز از ابتدایی‌ترین مسئولیت‌های عالمان دینی پاسخگویی به نیازهای فقهی مردم می‌باشد - و هیچگاه از یک طلبه این عذر پذیرفته نیست که در برابر یک مسأله فقهی - با این بهانه که من متخصص فلسفه یا تاریخ یا ... هستم - اظهار بی‌اطلاعی نماید.

به هر حال در فقه استدلالی توجه به آراء و نظرات فقهای گذشته جایگاه ویژه و مهمی دارد. مرحوم آیت الله العظمی بروجردی می‌فرموده است: «فقه تنها با فکر و تأمل زیاد درست نمی‌شود، بلکه تتبع و تفحص در کتابها نیز ضرورت دارد». گرچه نظرات فقهای گذشته برای هیچ فقیه دیگری حجت نمی‌باشند، اما اهمیت و ضرورت رجوع به آنها نیز بر کسی که با مقدمات فقه آشنا باشد پوشیده نیست. زیرا توجه به فهم فقهای گذشته از منابع اصلی فقه به صحت و سلامت استنباط ما کمک می‌کند، و بلکه استنباط فقهی بدون آن غیر ممکن است (و این غیر از مسأله تاریخ فقه می‌باشد). به همین جهت احیاء متون قدیم فقه ضرورت خود را نمایان می‌سازد.

کتاب «غنائم الأيام فی مسائل الحلال و الحرام» یکی از کتابهای مهم فقه استدلالی است، که توسط میرزای قمی نگاشته شده است. تبخر و تخصص میرزای قمی بیشتر در فقه است گرچه کتاب «قوانین الأصول» او زیاد مورد توجه واقع شده است، برعکس صاحب ریاض المسائل که بیشتر در

اصول تبخر داشته اما کتاب فقهی او ریاض المسائل بیشتر از کتابهای اصولی اش مورد استفاده است.

میرزای قمی گرچه به قمی بودن اشتهار دارد و معروف آن است که اهل گیلان بوده است، اما با توجه به آنکه ابتدای تحصیل او در شهرستان خوانسار بوده است، و بسیار بعید می‌نماید که شخصی از گیلان حرکت کند و از تهران و قم گذشته و برای تحصیل به خوانسار برود، به این جهت مرحوم آیت الله حاج آقا حسین علوی خوانساری می‌فرمود: «وی اهل روستاهای فریدن بوده است، و جیلان نام یکی از آن روستاها است». گرچه در مقدمه این تحقیق آمده است که: «پدر وی اهل رشت بوده و در جابلاق اطراف بروجرد ساکن شده است، و میرزای قمی در جابلاق متولد شده به این جهت به خوانسار رفته است» (ر. ک: ج ۱، ص ۳۸)

میرزای قمی چند کتاب فقهی نوشته که مهمترین آنها «غنائم الأيام» است، هر چند جامع الشتات او بر اثر فروعات زیاد بیشتر مورد توجه واقع شده است. برخی از کتابهای فقهی مثل «العروة الوثقی» به کثرت فروع فقهی اشتهار دارند، و برخی دیگر مثل «جواهر الکلام» به بیان ادله، و برخی مثل «مفتاح الکرامه» به نقل اقوال شهرت دارند ولی کتاب «غنائم الأيام» جامع هر سه ویژگی بوده، و در عین اختصار به نقل اقوال و استدلالهای آن و نیز بیان فروع دقیق فقهی نیز پرداخته است. عبارتهای این کتاب در نهایت اختصار و ایجاز - همانند ارشاد الازدهان علامه حلی - می‌باشد.

میرزای قمی در این کتاب ترتیب معروف فقه را رعایت نموده و خود در واقع طرح دیگری از ترتیب ابواب فقهی ارائه کرده است. مثلاً اکثر کتابهای فقهی با بحث از «آب‌ها» شروع می‌شوند، اما شروع این کتاب با بحث از عبادات بوده و به این جهت اولین بحث آن «تعریف عبادت، مشروعیت عبادات صبی، علامتهای بلوغ» می‌باشد. پس از آن در کتاب الطهارة، ابتدا به بحث از وضو پرداخته و پس از بیان احکام غسل و تیمم و نجاسات مبحث آب‌ها را عنوان کرده است. بحث از احکام محتضر و غسل و کفن و نماز میت را در پایان کتاب الصلاة قرار داده است، با اینکه معمولاً فقها این مباحث را در کتاب الطهارة عنوان می‌کنند.

این تصحیح براساس دو نسخه خطی و نیز یک نسخه چاپ سنگی کتاب، در مرکز تحقیقات اسلامی دفتر تبلیغات

نوشته هایی چون شرح المنظومه، بدایع الحکم و اساس التوحید از جمله آثار و تألیفاتی است که به مبنای اصول فلسفی مکتب صدرالمتألهین مستقلاً به رشته تحریر درآمده اند. در این میان شرح المنظومه حاجی سبزواری به خاطر اینکه مطالب فلسفی را به شکل آسانی تقریر نموده، مورد توجه مدرسان و محققان فلسفه اسلامی قرار داشته و از زمان حیات مرحوم حاجی به عنوان کتاب درسی مطرح شده و شروح و حواشی چندی بر آن نگاشته شده است.

تعلیق حکیم میرزا مهدی آشتیانی بر شرح المنظومه به لحاظ اینکه ظرایف عرفانی را با استدلالات برهانی توأم ساخته و ذیل هر عنوان فلسفی به کاوش از سابقه مباحث و طرح اقوال مختلف پرداخته است، از جایگاه و ارزش ویژه ای برخوردار می باشد.

مرحوم میرزا مهدی آشتیانی در ۱۳۰۶ قمری در تهران متولد شده و در علوم فلسفی و عرفانی از شاگردان میرزا حسن کرمانشاهی و میر سید شیرازی بوده و خود سالیانی به تدریس کتابهای فلسفی نظیر شفا، اسفار و شرح المنظومه پرداخته است.

کتاب حاضر تعلیقات آشتیانی بر قسمت منطق شرح منظومه بوده و در سال ۱۳۷۱ قمری تحریر شده است. محشی در جای جای مطالب منطقی از مباحث عرفانی غافل نبوده و به پیروی از سبک صدرالمتألهین عرفان و برهان را توأم با هم به بحث گذاشته است.

تعلیق شرح المنظومه (منطق) در سال ۱۳۶۰ شمسی توسط مرکز انتشارات دفتر تبلیغات تجدید چاپ شده بود و چاپ حاضر (سوم) از روی همان چاپ به شکل افست منتشر می شود. شایان ذکر است که تعلیق بخش حکمت نیز توسط انتشارات دانشگاه تهران (موسسه مک گیل) در سالهای ۱۳۵۲-۱۳۶۶ و ۱۳۷۲ شمسی منتشر شده و حاوی تحقیقات عمیقی در اندیشه های فلسفی شرق می باشد.

کتاب حاضر که به دستاران حکمت و عرفان عرضه شده، در جهت روشنگری افکار فلاسفه مسلمان از متون اصلی بشمار می رود.

علی عطانی

اسلامی شاخه مشهد انجام شده است. همه اقوال و آیات و روایات مورد اشاره در متن در پاورقیها به منابع اصلی آنها ارجاع داده شده است. روایات در عین استناد به کتب اربعه و منابع اصلی به وسائل الشیعه نیز ارجاع داده شده اند تا فایده آن تکمیل و بیشتر گردد. مشکل بودن عبارتهای این کتاب و عبارتهای رمزی و کنایه ای و کثرت اقوال در آن بر زحمات تصحیح و تحقیق آن افزوده است. همچنانکه مقدمه سودمند آن بسیار مفید است. گرچه منابع آنچه در مقدمه آمده است معلوم نیست و هیچ آدرس ندارد.

جلد اول این تصحیح به کتاب الطهارة اختصاص دارد. جلد دوم آن از ابتدای کتاب الصلاة تا پایان بحث سجود است.

و جلد سوم آن از بحث قنوت تا آخر لواحق مبحث جنائز است.

ضمناً در ج ۳، ص ۵۶۲ حدیث اینگونه نقل شده است: «لعن الله زوارات القبور» در حالیکه این غلط است و صحیح آن چنین است: «إن رسول الله صلى الله عليه وآله لعن زوارات القبور» همچنانکه در سنن ترمذی ج ۲، ص ۲۵۹ آمده است.

امید است هر چه زودتر این تصحیح تکمیل و در اختیار محققان قرار گیرد.

احمد هابدی

تعلیق علی شرح المنظومه السبزواری (قسم المنطق). میرزا مهدی

آشتیانی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۶ ش، ۳۷۶ ص، وزیری.

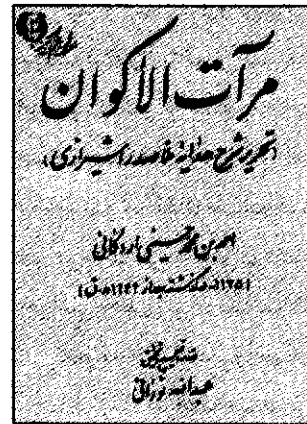
با بنیان حکمت متعالیه بدست صدرالدین شیرازی (ملاصدرا) در قرن دهم، اکثر فلسفه آموختگان پیرو افکار و اندیشه های وی بوده و به واسطه سیطره و صلابت



افکار ملاصدرا در طول چهار قرن گذشته به غیر موارد نادری، مطالب فلسفی در حواشی بر آثار و تألیفات ملاصدرا تحریر شده است.

مرآت الأکوان (تحریر شرح هدایه ملاصدرا شیرازی) تصحیح و تحقیق

عبدالله نورانی : دفتر نشر میراث  
مکتوب، تهران، ۱۳۷۵ ش.  
۶۷۸ص، وزیری.



حکمت یا فلسفه از جمله  
معارف ارزشمندی است که  
در بین سایر علوم از جایگاه و  
منزلت خاصی برخوردار  
بوده و در طول قرون و  
اعصار متمادی مورد توجه و

اهتمام اندیشمندان اسلامی قرار داشته و در راستای بسط و  
گسترش تفکر عقلانی و تحقیق و بررسی در مسائل مهم و  
غامض فلسفی، آثار گرانقدر فراوانی به رشته تحریر درآمده که  
کتاب حاضر یکی از هزاران است.

«هدایة الحکمة» معروف به «هدایه اثیریة» تألیف حکیم  
کامل و نحیر فاضل، اثیرالدین مفضل بن عمر ابهری،  
متوفای (۶۶۱ یا ۶۶۳ق) است. نامبرده علاوه بر آن آثار  
دیگری نیز دارد که عبارتند از: ۱. ایساغوجی ۲. الزیدة  
۳. الکشف ۴. تنزیل الافکار فی تعدیل الاسرار ۵. نکت فی  
علم الجدل ۶. حواشی بر شرح ملخص کاتبی.

ایشان در شکل چهارم از اشکال چهارگانه قیاس، سه  
ضرب بر پنج ضرب ارسطو افزوده و منطقیین پس از وی،  
ضروب متعجبه شکل چهارم را هشت ضرب نموده اند. و  
همچنین ایشان برای «سالبه جزئیة» در برخی صور، عکس  
منطقی ثابت کرده است. و اما کتاب «هدایه اثیریة» دارای سه  
بخش: منطقیات، طبیعیات و الهیات است و اکثریت  
شارحین، بر بخش طبیعیات و الهیات این کتاب شرح  
نوشته اند.

از اینکه این اثر در طول سالیان زیاد مورد توجه و عنایت  
فیلسوفان اسلامی بوده و شروح و تعلیقات فراوانی بر آن  
نگاشته شده، از ارزش و اهمیت آن حکایت دارد. از جمله  
شروح و تعلیقات، می توان به شرح قاضی میر حسین میدی،  
حواشی سید میر فخرالدین سماکی و شرح صدرالمآلهین  
شیرازی اشاره نموده که از این میان شرح صدرالمآلهین از  
معروفیت شایانی بین خواص برخوردار است. در واقع شرح  
ایشان، شرحی است که به روش فلسفه مشاء نوشته شده

است. ایشان آثار و تألیفات بس ارزنده ای از خود به یادگار  
گذاشته است که شاخص ترین آن، همان اسفار اربعه یا  
حکمت متعالیه می باشد که در آن دیدگاهها و افکار و آراء  
نهایی خود را در مسائل مختلف فلسفی منعکس ساخته است.  
بی شک ایشان را می توان بنیانگذار مکتب نوینی در فلسفه بنام  
حکمت صدرایی در دوره اخیر دانست. وی مسائل برهانی را  
با چاشنی لطایف عرفانی و نیز علم کلام را با فلسفه به هر دو  
مشرّب مشائی و اشراقی، و حکمت یونانی را با حکمت  
ایمانی درهم ریخته و به هم آمیخته و از این میان معجون  
گوارا و بدیع آفریده که نظام فلسفه متعالیه او را تشکیل  
می دهد. صدرالمآلهین با آنکه در «اسفار» و «شواهد» عقاید  
و افکار نمائی خود را ابراز داشته ولی در «شرح هدایه» به  
طریق مؤلف، مسائل را عنوان ساخته و در مسأله «حرکت» در  
چهار مقوله، قائل به حرکت شده و مطابق کلمات مشائی،  
حرکت در مقوله جوهر را نفی نموده است. و در این کتاب به  
تحقیق در مباحثی پرداخته که بدون حرکت جوهری، تحقیق  
ناتمام خواهد بود. در مسأله معاد، به طریق متاخرین مانند  
«میرداماد»، «دوانی» و ابن سینا بحث کرده و در امر پیدایش  
نفس و روح از طریق خود سخن به میان نیاورد، ولی در خلال  
همان مباحث به «اسفار» و دیگر آثار خود اشاره نموده است.

با تأمل در افکار و سخنان او در «شرح هدایه» می توان  
چنین استنباط کرد که ایشان در صدد بیان طریق و عقیده خود  
نبوده و در نظر داشته که مانند همه شارحان محقق، عقاید و  
مقاصد مؤلف را حتی المقدور تشریح نماید.

و اما کتاب حاضر «مرآت الأکوان» اثر ارزنده دانشمند  
فاضل، مرحوم سید احمد حسینی اردکانی و متوفای ۱۲۴۲ق  
است. ایشان آثار گوناگونی پیرامون موضوعات مختلف  
تألیف نموده است که نوعاً ترجمه منابع و مآخذ مهم اسلامی  
است. از قبیل ترجمه «بحار الانوار»، ترجمه «اکمال الدین»  
ترجمه «مبدء و معاد» ترجمه «محبوب القلوب» ترجمه  
«جامع السعادات».

این اثر گرانبگی که با سعی و تلاش فراوان مصحح محترم  
جناب آقای عبدالله نورانی برای اولین بار زیر نظر دفتر نشر  
«میراث مکتوب» وابسته به معاونت امور فرهنگی وزارت  
فرهنگ و ارشاد اسلامی در ۶۷۸ صفحه به زیور چاپ آراسته  
شده، در حقیقت شرحی است به زبان فارسی بر «هدایه اثیریة»

مباحث طرح شده در کتاب بطور اجمال به قرار زیر است: جزء لایتجزی، اثبات هیولی، حرکت و سکون، زمان و مکان، تناهی ابعاد، شکل طبیعی، احوال مربوط به فلکیات، بسایط عنصریه، حقیقت مزاج، احوال مربوط به جو، معدن، نبات، حیوان و انسان، ملکات و مقامات انسان، اثبات وجود واجب تعالی و وحدانیت او، صفات مربوط به واجب تعالی.

روش مؤلف در طرح مباحث کتاب به این صورت است که در آغاز اصل مسأله را با قلمی شیوا و بیانی رسا عنوان می‌کند، آنگاه اقوال صاحب نظران نامی را از کتابهای متعدد پیرامون مسأله مورد نظر بیان می‌کند و در ادامه سخن، به نقل و بررسی ادله و براهین پرداخته و برخی از آنها را مورد مناقشه قرار داده و برخی را می‌پذیرد. به عنوان نمونه در بحث حرکت جوهری، در ابتدا مفهوم و معنای این اصطلاح را توضیح داده و آنگاه بطور اجمال به بیان دیدگاههای مختلف فلاسفه در این زمینه اشاره می‌کند و سپس خلاصه‌ای از دلیل ابن سینا را بر امتناع ذکر می‌کند و بعداً پاسخی را که جناب صدرالمآلهین از استدلال ابن سینا داده، می‌آورد و در پایان حاصل و نتیجه این بحث را یادآور می‌شود. و یا در بحث «حدوث نفس»، در آغاز اقوال پیرامون این مسأله را عنوان می‌کند و آنگاه احتجاجات قائلین به قدم نفس را متعرض شده و از آنها پاسخ می‌دهد و در ادامه بحث ادله قائلین به حدوث نفس را یکی پس از دیگری طرح می‌کند و اشکالاتی که بر آنها گرفته شده و پاسخهایی که از این اشکال داده شده را می‌آورد و همچنین دلیلی را که ابوالبرکات بر حدوث نفس به آن استدلال کرده یادآور می‌شود و آنگاه می‌گوید: جناب صدرالمآلهین به دو وجه این دلیل را ضعیف شمرده و خود ایشان در کتاب «مبدء و معاد» همین دلیل را به صورت دیگری تقریر نموده است و در پایان می‌افزاید: بر همین تقریر ملاصدرا دو ایراد وارد است آنگاه ایرادهای خود را متذکر می‌شود.

هر گاه آدمی با دیده انصاف در این کتاب نظر کند، بی تردید به آشنایی و تسلط کامل مؤلف به دیدگاهها و آراء و افکار فلاسفه بزرگ اذعان خواهد کرد. و از آن جایی که ملاصدرا در شرح خود، غالباً به دیدگاههای خود معترض نشده، جناب مؤلف نکته نظرهای ایشان را از آثار دیگر ایشان در این کتاب آورده است و این امر بر ارزش و اهمیت این کتاب

همانند شرح صدرالمآلهین شیرازی. و بلکه می‌توان چنین اذعان نمود که در واقع این کتاب تحریر شرح هدایه ملاصدرا است. شایان ذکر است که مصحح محترم به منظور تکمیل مباحث کتاب، برگزیده‌ای از ترجمه الهیات «مبدأ و معاد» را که به قلم مؤلف نوشته شده، در خاتمه آن آورده است. تصحیح این کتاب بر اساس ۲ نسخه خطی انجام گرفته است: ۱. نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۹۶۷. ۲. نسخه کتابخانه ملی، شماره ۲۲۲۳.

در تنظیم «مرآت الأکوان» نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی، اصل قرار گرفته و از نسخه کتابخانه ملی، به عنوان نسخه بدل استفاده شده و مطالب آن در داخل کروشه در متن کتاب آورده شده است.

پیشگفتار ۷۷ صفحه‌ای کتاب را، مصحح محترم به بحث از این امور اختصاص داده است:

۱. شرح حال و معرفی آثار مؤلف
۲. منتخباتی از رساله «سه اصل» ملاصدرا
۳. دستورالعمل اخلاقی ملاصدرا
۴. ملاصدرا و شرح هدایه او
۵. پیوند میان ملاصدرا و میرداماد
۶. روش تصحیح کتاب و معرفی نسخه‌هایی که مورد استفاده قرار گرفته است.

و اما نویسنده محترم، پایه و اساس کتاب خویش را بر یک مقدمه و خاتمه و دو فن طرح ریزی نموده است. ایشان در مقدمه کتاب به تعریف حکمت و تقسیمات آن پرداخته و معتقد است که هیچ یک از علوم بر دیگری برتری ندارد بلکه هر یک به وجهی از دیگری اشرف است و حکیم را کسی می‌داند که علم را با عمل جمع نموده باشد. و اما در خاتمه پیرامون خواص انسان و اوصاف نفس انسانی و مجامع اخلاق و نیز درباره منازل انسان بر حسب قوای نفسانی و بیان چگونگی ارتقاء مدرکات از منازل ادنی به منزل اعلی، بحث و گفتگو نموده است. و اما فن اول را به طبیعیات اختصاص داده و مباحث آن را در سه قسم تنظیم کرده است و هر قسمی دارای چندین مقاله بوده و هر مقاله خود مشتمل بر چندین فصل جداگانه است. و فن دوم را به بحث از الهیات اختصاص داده است. این فن شامل دو مقاله بوده و هر مقاله دارای چندین فصل علیحده است.

افزوده است. و چون این کتاب به زبان فارسی تألیف شده است، امکان استفاده از آن را برای بیشتر دوستان علم فلسفه، فراهم آورده است.

و اما در تصحیح این کتاب نکته‌های سودمندی وجود دارد که به برخی اشاره می‌شود:

۱. استفاده از نسخه بدل و قرار دادن جملات اضافی آن در داخل گوشه در متن کتاب.

۲. وجود پنج فهرست در خاتمه کتاب.

۳. اعراب گذاری آیات و روایات و عبارات عربی.

۴. آوردن برگزیده‌ای از سخنان ارزنده صدرالمتألهین از رساله «سه اصل» در پیشگفتار مصحح

۵. آوردن شرح حال مؤلف به قلم خود ایشان.

۶. ذکر منابع و مآخذ نقل شده، در پاورقی.

ولی در عین حال، برخی نواقص نیز در این چاپ به نظر می‌رسد که یادآور می‌شویم:

۱. اگرچه بنای مصحح محترم بر این بوده که مآخذ منقولات را ذکر کند ولی موارد فراوانی در کتاب وجود دارد که منابع آنها ذکر نشده است. به عنوان نمونه می‌توان به صفحات ذیل اشاره کرد: ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۲۳، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۹، ۱۴۶، ۱۸۷ و ...

۲. مآخذ برخی روایات ذکر نشده است. ص ۵۱۲، ۵۲۰، ۵۶۰، ۵۸۳، ۵۸۹.

۳. ترجمه آیات و روایات نوشته نشده است.

۴. شایسته است که اسامی سوره‌های قرآن به همراه شماره آیات، در پاورقی نوشته شود و نه در متن کتاب.

۵. هرگاه از یک کتابی بیش از یک صفحه، عبارت نقل می‌شود لازم نیست اینگونه نوشته شود: (صص ۱۲۵-۱۲۰) بلکه یک علامت اختصاری کافی است. (صص ۱۲۵-۱۲۰).

علاوه بر اینکه در این کتاب به هر دو صورت نوشته شده است. به عنوان نمونه در پاورقی ص ۴۷۱ آمده است:

۱. صدرالدین شیرازی، الاسفار، ج ۸، صص ۱۳۳-۱۳۷. و در پاورقی ص ۴۷۵ آمده است:

۱. صدرالدین شیرازی، شرح الهدایة الأثریة، صص ۲۰۹-۲۰۵.

۶. نام کتاب چون عربی است باید بصورت: «مرآة الاکوان» نوشته شود، در حالیکه روی جلد و عطف کتاب

«مرات الاکوان» چاپ شده است.

به هر حال توفیق روزافزون مصحح محترم و مسئولین محترم نشر (میراث مکتوب) را در جهت ارائه چنین خدمات ارزنده‌ای، از خداوند متعال خواستاریم.

مرتضی سیفی

خطبه‌های جمعه سال ۶۰، هاشمی رفسنجانی، زیر نظر محسن

هاشمی. (جلد اول)، دفتر نشر

معارف، تهران، ص ۶۱۸،

وزیری.

گذشته چراغ راه آینده است،

حوادث امروز درس زندگی

برای فرداست. اگر تاریخ آن

گونه که اتفاق می‌افتد،

نوشته می‌شد، میزان اشتباه و

بیراهه روی در آینده بسیار

کمتر از آن خواهد بود که به

رنج بزرگ مورخان همواره در

بازشناسی بوده‌ها از

نبوده‌هاست. اگر پدیده‌ها در

زمانی کم نوشته شود، ذائقه

سیاست و آفت توجیه باقی

می‌ماند. متأسفانه این امر در

تاریخ کمتر اتفاق می‌افتد و

گزارش حوادث، همواره جهت

پیدا می‌کند و اگر تحریف هم

پیش نیاید، گزینش در گزارش

بسی عادی است.

یکی از پدیده‌های خوب انقلاب

اسلامی ایران برپایی

نمازهای جمعه است. این پدیده

افزون بر کارآیی روزمره در

تفسیر حوادث و جهت دهی افکار

عمومی نقش مؤثر در ثبت

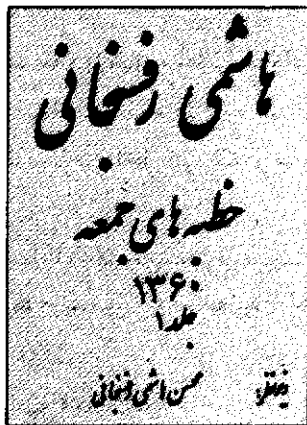
وقایع و پیشگیری از فراموشی

و یا توجیه دارد. حوادث

روزانه غالباً در نمازهای جمعه

و بویژه نماز جمعه تهران مطرح

شده و می‌شود. زمان وقوع



آخرین جمعهٔ آبان سال ۶۰ می گوید:

«... چیزی که ما تعقیب می کنیم ایجاد حالت اعتماد در مملکتمان است. در اینجا باید هر کسی مطمئن باشد، کاسب و متخصصین در جای خودشان اعتماد داشته باشند. حتی کسانی که پول دارند و می خواهند به کار گیرند مطمئن باشند. مستضعف به آیندهٔ خودش و آن که داعیه سیاسی دارد در مملکت خودشان راحت باشند. خلاصه حدود و حقوق همه معین شود و تا به این نقطه نرسیم نمی توانیم یک کشور جا افتاده داشته باشیم. این را بدانید، برای این مقصود، ما هم باید دوستان را کنترل کنیم و هم جلوی توطئه های دشمن را بگیریم»

قطعاتی از این دست در خطبه های هاشمی به وفور دیده می شود و برای ناظر و تحلیل گر حوادث دستمایه خوبی است تا با نگرش بر شرایط موجود مقدار توفیق انقلاب اسلامی را بسنجد.

نشر خطبه های نماز جمعه در زیر عنوان اسناد انقلاب اسلامی ایران کاری بسیار مطلوب و قابل تقدیر است و نکاتی که در ذیل بدان اشاره می شود به هیچ عنوان از ارزش اصل کار نمی کاهد بلکه تذکراهایی است در جهت رفع نواقص.

۱. مهمترین کمبود در بخش پی نوشته ها دیده می شود. پی نوشته ها برای افرادی که از نزدیک شاهد جریانات مزبور بودند و با کوچکترین اشاره حوادث یادآوری می گردد، مکفی است، اما با این فرض که خوانندگان آینده کتاب که مخاطبان اصلی آن هستند- ذهنیتی از حوادث مزبور ندارند، تا چه حد اشاره های پانوش می تواند راهگشا باشد؟

به عنوان نمونه در پی نوشت شماره پنج خطبه ۶۰/۶/۱۳ می خوانیم «هیستهای مؤتلفه اسلامی گروهی از جوانان و روحانیون متدینی بودند... و عده زیادی از اعضای آن دستگیر و محاکمه شدند» آیا خواننده نسل بعد از خود نخواهد پرسید، این جوانان و روحانیون متدین چه کسی بودند؟ نامشان چه بود؟ در کجا بودند؟ کدامیک از آنان دستگیر شد و چه حکمی در حق آنان صادر شد؟

نمونه دیگر پی نوشتهای مربوط به گروه فرقان است این گروه با توجه به آثار مخرب آن در محروم کردن انقلاب از فکر بسیاری از صاحب نظران، یکی از موضوعات مبهم و قابل مطالعه برای آیندگان است در پی نوشتهای این کتاب اطلاعات

درجه اول انقلاب با توجه به اینکه خود از پدیدآورندگان حوادث هستند و در متن امور قرار دارند، از دید مورخ ارزش اسنادی بالایی دارند و می توانند بیانگر بی واسطه عملکرد مدیران و رهبران انقلاب باشند.

خوشبختانه همتی بایسته در راستای تدوین و نشر خطبه ها از سوی خطیبان با همکاری سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی ایران آغاز شده است. از جمله این کارها خطبه های آقای هاشمی رفسنجانی است که خطبه های مربوط به سال ۶۰ در یک مجلد و با نظارت آقای محسن هاشمی نشر یافته است.

سال شصت از سالیان پر حادثه و بحرانی در تاریخ انقلاب اسلامی ایران است. این مقطع تاریخی با توجه به درگیری چند جریان فکری مدعی سهم در انقلاب، در آینده بسیار مورد توجه و نقد و تحلیل مورخان قرار خواهد گرفت. بهر مقدار که اسناد درباره این مقطع تاریخی بیشتر باشد، تحلیل گران آینده راحت تر به واقع پدیده ها پی خواهند برد و خطبه های آقای هاشمی می تواند مستندات خوبی در تفسیر و تحلیل دیدگاه حاکم در مقطع زمانی مزبور باشد. گزارش اوج درگیریهای خیابانی با محاربان و مخالفان، ترورها و شهادتهای گسترده در سطح رهبری و مردم، سه بار تغییر و تحول در بالاترین مقام اجرایی کشور (ریاست جمهوری) در یک سال، بر سر کار آمدن چهار کابینه در مدت مزبور، تحول گسترده در قوه قضائیه و مقننه در پی ترورهای فراوان، تغییر روند جنگ عراق علیه ایران، متلاشی شدن منسجمترین تشکل مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران، پیدایش مقوله ای جدید در نهاد قانونگذاری کشور تحت عنوان «مصلحت نظام»، چرخش جدی و روشن در روند درگیری اعراب و اسرائیل با ارائه طرح صلح فهد و ده ها حادثه کوچک و بزرگ، موضوعاتی است که موجب اهمیت سال ۶۰ در تاریخ انقلاب اسلامی ایران است. هاشمی در خطبه های خود به همه این موضوعات پرداخته و تجزیه و تحلیل خود و دیدگاه نظام را درباره آنها بیان کرده است. خطبه های هاشمی افزون بر سودمندی آن برای مورخان می تواند ابزاری برای آگاهی از مقدار موقعیت انقلاب اسلامی ایران در رسیدن به اهداف خود باشد، زیرا هاشمی در بسیاری از خطبه ها ایده ها و آرزوهای نظام را تبیین کرده است؛ به عنوان نمونه در خطبه



وجه مکفی نیست. این قبیل کمبودها در پی نوشت کم نیست و حتی در مواردی به رغم نیاز به پی نوشت هیچ اشاره‌ای به موضوع مطروحه در خطبه نشده است؛ از قبیل: جریان سرلشکر معدوم (ص ۸۲)، حجة الاسلام بهشتی (۸۷)، داستان ما در طرق الاسلام (۱۶۸) و نظایر آن.

۲. فقدان فهرستهای لازم از قبیل فهرست اعلام، کتب، امکانه، آیات و روایات و ...، در این قبیل کتب که جنبه مرجعی پیدا خواهند کرد و باید امکانات لازم برای سهولت در دسترسی به مطالب آن در نظر گرفته می‌شد، چندان قابل قبول نیست.

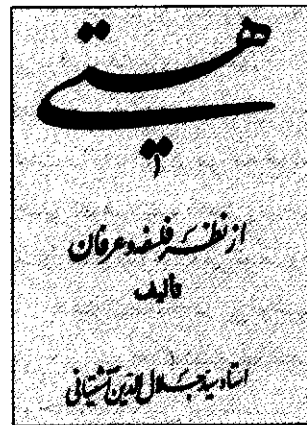
۳. عدم ارائه منابع اخبار و روایات که بیانگر سهل انگاری تهیه کنندگان است، نقص دیگر کتاب است؛ برای نمونه نک صفحات: ۶۷، ۷۸، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۹۸، ۴۴۷، ۴۶۷، ۴۷۵، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۸، ۵۳۹، ۵۷۶ و ...

امید است در مجلدات دیگر تهیه کنندگان تلاش بیشتری را مبذول فرمایند.

علی سرولایی

هستی از نظر فلسفه و عرفان. سید جلال الدین آشتیانی، مرکز انتشارات

دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۶ ش، ۳۲۶ ص، وزیری.



سخن فلسفی در فرهنگ و تمدن اسلامی همواره هستی-خداشناسانه (onto-theological) بوده و بنیان اصلی اندیشه‌های حکمی فیلسوفان مسلمان مبتنی بر

این فرض بوده که هستی و نظام وجود تا آنجا به حق و اصیل است که بنیادش بر موجودی متعالی و واجب الوجود استوار گردد. پیش از پیدایی مکتب صدرائی، قائلین به سبک استدلالی و پیروان نحله مشایی با اعتقاد به تباین ذاتی وجودات نتوانستند قرآنی برهانی از اصل قویم وحدت وجود یا همان اسطفاقس پایه‌ای متافیزیک دینی ارائه دهند؛ شیخ اشراق و شارحان افکار وی نیز با تخطی از اصالت وجود و عرضه سیستم اصالت ماهوی به مرحله‌ای بعید راه بردند. در

قرن دهم صدرالدین شیرازی با الهام از آیات قرآنی و روایات منقول و با تأمل در اشکالهای معرفتی نحله‌های فکری پیش از خود، طرحی جامع و کامل از نظام مابعدالطبیعی دینی عرضه نمود که در کنار حل مسأله وحدت وجود، مسائلی چون علم النفس فلسفی و الهیات عقلانی تازه‌ای را در خود جای داده بود. این مکتب فکری در مقابل فلسفه مشاء و حکمت اشراق، به «حکمت متعالیه» نامبردار شده، در طول نزدیک به چهار قرن اندیشه حاکم در میان فلسفه‌آموختگان و دوستان علوم نظری بشمار می‌رود.

صدرالدین نیز مکتب فکری خود را با طرح وجودشناسی آغاز نموده و بعد از مباحث برهانی در عوارض و تقسیمات وجود، به بحث از الهیات عقلانی و وجود واجب و کاوش از صفات و اسمای باری تعالی می‌پردازد.

کتاب حاضر که به قلم یکی از شارحان و مدرسان برجسته حکمت صدرائی تحریر شده و اصول و امهات مباحث هستی-خداشناسانه را از منظر ملاصدرا و در مصاف با اندیشه‌های مشایی و اشراقی به بحث گذاشته، جزو آثاری است که برای علاقه‌مندان حکمت اسلامی و محققان فلسفه و عرفان به خاطر آسانی مطالب و تحقیق آنان از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد.

استاد سید جلال الدین آشتیانی در این کتاب سعی نموده اند مبانی ذوقیه عرفانی را برهانی کرده و از مطالب عرفانیه مربوط به مباحث وجودشناسی که با برهین عقلی توافق دارند، نقل نموده و مطابق سبک صدرالمتألهین هماهنگی عرفان و برهان و قرآن را مستدل سازند. بیست فصل کتاب در بر دارنده موضوعات ذیل می‌باشند:

طرح دیدگاههای متکلمین درباره وجود و اختلاف فلاسفه با آنان در مشترك معنوی دانستن مفهوم وجود و وحدت صرفه وجود که از سوی عرفا مطرح شده است، مطالب فصل اول را تشکیل می‌دهند. (ص ۲۹-۲۳)

فصل دوم در بیان تعریف وجود بوده و مؤلف با استناد به سخن ابن سینا در شفا که وجود قابلیت تعریف حقیقی را ندارد و تعاریف آن تعریف لفظی است، به توضیح اموری چون اقسام تعریف، اول الاوائل بودن وجود در تصورات پرداخته و بر مبنای اصالت وجود به رفع اشکالات قاضی سعید قمی که معتقد به اشتراك لفظی وجود بوده، پرداخته

و با استناد به روایات و آیات، بساطت صرفه واجب الوجود را مطرح کرده و در فصل دهم با عنوان کردن قول فهلویون مبنی بر تشکیک در مراتب، به اثبات برهانی نظریه تشکیک در مظاهر که مختار عرفا و صدرالمتهلین است، پرداخته است. (ص ۱۹۷-۱۶۷)

فصلهای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم از کتاب حاضر در مباحث الهیات عقلانی بوده و سخن از حقیقت وجود حق تعالی، مظاهر متجلی از حق و مراتب وجودی امکانات به میان آورده و بر مبنای اصالت وجود به اثبات وحدت وجود رسیده است. مطالبی چون اقسام وحدت، انسان کامل، جهات خلقی و حقی، اعتبارات و مراتب سه گانه وجود و ماهیت در نظر فلاسفه و عرفا از مباحث این فصلها هستند. (ص ۲۴۲-۱۹۸)

فصل چهاردهم در بیان اشکالات اشراقیون بر اصالت وجود بوده و مؤلف با طرح اشکالات چهارگانه به دفاع از اصالت وجود پرداخته است. (ص ۲۵۲-۲۴۳)

بیان اصالت وجود از طریق جعل و اقسام جعل در فصل پانزدهم بحث شده و برای اثبات آن دلایلی ذکر شده است. (ص ۲۶۸-۲۵۳)

اثبات مبدأ وجود به طریقه حکمای الهی و مباحث مربوط به توحید واجب تعالی به همراه اثبات غایت بودن حق تعالی و عینیت وجود واجب با ماهیت اش در فصلهای شانزدهم تا نوزدهم بحث شده و در ذیل هر مطلبی برهان آن اقامه شده است. (ص ۳۱۳-۲۶۹)

صفات حق تعالی و اقسام مختلف آن اعم از جمالیه و جلالیه و ... در فصل بیستم که پایان بخش کتاب است، بحث شده است. (ص ۳۱۴-۳۲۶)

هستی از نظر فلسفه و عرفان اولین بار حدود ۳۵ سال پیش چاپ شده و در سال ۱۳۶۰ شمسی تجدید چاپ شده بود. در چاپ حاضر (سوم) علاوه بر ویرایش جدید به استخراج منابع و مآخذ پرداخته شده و توسط دفتر تبلیغات به شکل زیبایی به زیور طبع آراسته شده است. مرکز انتشارات دفتر تبلیغات، آثار و تألیفات دیگری از استاد آشتیانی در آستانه عرضه به اهل علم و دستداران فلسفه و عرفان اسلامی قرار داده که فهرست آنان به شرح ذیل است:

۱. مشارق الدراری (شرح تائیه ابن فارض)

است. (ص ۴۴-۳۰)

کاوش از تقسیم وجود کلی به عینی و ذهنی و طرح سابقه این بحث در میان فلاسفه مسلمان فصل سوم را به خود اختصاص داده است. (ص ۴۷-۴۵)

فصل چهارم در بیان بساطت حقیقت وجود بوده و مؤلف بر مبنای اندیشه های صدرالمتهلین به بیان عاری بودن حقیقت وجود از جنس و فصل پرداخته و در توضیح این مسأله که از مباحث مربوط به امور عامه فلسفی است، به آثار و تألیفات ملاصدرا و دیگر حکمای اسلامی استناد کرده است. طرح اشکالات آقا علی مدرس به نظریات ملاصدرا در این باب از دیگر مطالب این فصل به شمار می رود. (ص ۷۰-۴۸)

شمول حقیقت وجود بر موجودات و تفاوت آن با شمول ماهویه همراه با تأمل در اعرافیت وجود در فصل پنجم به بحث گذاشته شده اند. (ص ۷۳-۷۱)

تمیز وجودات و توضیح انواع تمایزات بین موجودات در فصل ششم گفته شده و نظریات حکمای اشراقی و فلاسفه مشایی و عرفا در این مسأله طرح شده است. (ص ۸۰-۷۴)

اصالت وجود از مسائل مهم فلسفه اسلامی بوده و روی این مبنای عویصات زیادی در فلسفه حل می شود؛ این مسأله که پیش از ملاصدرا مستقلاً طرح نشده بود، محذوراتی را برای اندیشمندان و محققان پیش می آورد و با برهانی شدن بدست ملاصدرا چهره فلسفه اسلامی را دگرگون کرد. استاد آشتیانی با طرح مورد نزاع و توضیح معنای اصالت در بحث حاضر به بیان دلایل اصالت وجود و رد اشکالات قائلین به اصالت ماهیت پرداخته و با ذکر پنج دلیل به اثبات اصالت وجود دست یازدیده است. این مطالب در فصل هفتم مطرح شده اند. (ص ۸۱-۱۲۸)

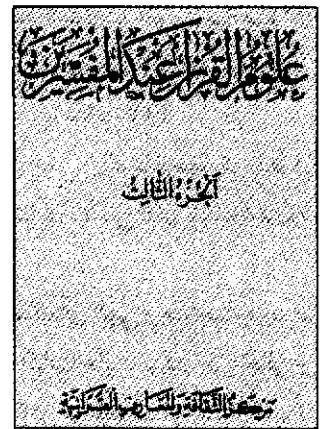
بیان ملاک تشخیص در وجودات و منشأ اختلاف در میان فلاسفه در فصل هشتم بررسی شده و مؤلف با طرح دلایل دیگری بر اصالت وجود و کاوش از سخنان فلاسفه مشایی و ملاصدرا به دفع اشکال علامه سمنانی بر اصالت وجود پرداخته است. (ص ۱۲۹-۱۶۶)

فصل نهم در بیان اشتراك معنوی وجود و ربط آن با مباحث عقلانی در الهیات دینی است که استاد آشتیانی با طرح اقوال مشائین و اشراقیون و عرفا، به مطالبی چون ظهور و بروز اعیان ثابت و تجلی ماهیات امکانیه از ذات اقدس حق پرداخته

۱. مشارق الدراری (شرح تائیه ابن فارض)
۲. تمهید القواعد، ابن ترکه
۳. المظاهر الالهیه، ملاصدرا
۴. شرح فصوص الحکم، مؤیدالدین جندی
۵. رسائل فلسفی ملاصدرا
۶. منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران
۷. نقد تهافت الفلاسفه
۸. تفسیر فاتحه‌الکتاب
۹. شرح حال و آرای فلسفی ملاصدرا
۱۰. المبدأ و المعاد، ملاصدرا
۱۱. شرح برزاد المسافر

علی اصغر حقدار

علوم القرآن عند المفسرین ج ۳،  
تدوین: مرکز فرهنگ و معارف  
قرآن، قم، مرکز انتشارات دفتر  
تبلیغات اسلامی، وزیری،  
ص ۶۰۰+۷۱۱+۶۰۰.  
عالمان و قرآن پژوهان از  
دیرباز بحثهایی را درباره قرآن  
و ابعاد آن - بگونه مستقل و یا  
در ضمن آثار قرآنی - سامان



داده اند که به بحثهای علوم قرآنی شهره است. علوم قرآنی را قرآن پژوهان، بحثهایی می دانند درباره قرآن و متعلق به قرآن مانند بحث از نزول قرآن، جمع و کتابت آن، اعجاز قرآن، محکم و متشابه در قرآن و ... (مباحث فی علوم القرآن / ۱۰ مناهل العرفان، ج ۱ / ۲۰، فی رحاب القرآن، ج ۲ / ۸ و ...) عالمان و مفسران شیعه به این بحثها بگونه مستقل کمتر پرداخته و بیشتر در مقدمه های تفاسیر و یا در مناسبتهایی در ضمن مباحث تفسیری این بحثها را تفتیح کرده اند به پندار ما یکی از بهترین منابع پژوهش در علوم قرآنی منابع جنبی و یا غیر مستقیم این مباحث است، منابع مستقیم منابع علوم قرآنی است مانند البرهان، الأتقان، مناهل العرفان و ... و منابع غیر مستقیم تفسیرها و متونی از کتابهای تاریخی، کلامی و حدیثی مرتبط با این بحثها و در این میان مهمترین آنها تفاسیر است. اکنون محققان «مرکز فرهنگ معارف قرآن» - که به یمن تدوین

و تنظیم یادداشت‌های تفسیر محقق ارجمند حضرت هاشمی رفسنجانی بنیاد نهاده شد، و اکنون مرکزی است سختکوش و گرانبسنگ در جهت خدمت به معارف قرآن - همت ورزیده اند و مباحث علوم قرآنی را از مقدمات تفاسیر مهم فریقین استخراج کرده و با تصحیح و تحقیق و تدوین کارآمد عرضه کرده اند: بجز المیزان فی تفسیر القرآن که چون مقدمه ای گسترده در مباحث علوم قرآنی ندارد و مباحث علوم قرآنی آن ضمن تفسیر آمده است، این مباحث را از لابلاي مجلدات آن تفسیر ارجمند استخراج و عرضه کرده اند.

این مجموعه در سه مجلد سامان یافته است، که اکنون با نگاهی گذرا فصول مجموعه آن را می شناسانیم:

مجلد اول پس از مقدمه ای درباره تاریخچه بحثهای علوم قرآنی و چگونگی تدوین این مجموعه با بحث از «نامهای» قرآن آغاز شده است. می دانیم که عالمان علوم قرآنی از دیرباز درباره عناوینی که در لسان آیات و روایات درباره قرآن آمده است مانند قرآن، کتاب، مبین، تبیان، شفاء و ... یک داستان نبوده اند، برخی یکسر جز معدودی از آنها در وصف قرآن می دانستند و برخی غالب آنها را نام کتاب الهی و ... (ر. ک فرهنگ جهاد شماره ۱ / مقاله پژوهشی در واژه «قرآن»)

در این بخش آرا مفسران در این زمینه گزارش شده است از طبری تا وهبه زحیلی و مدرسی. (۵۲-۲۱) در بحث های بعد آرا مفسران درباره ویژگیهای قرآن، جامعیت قرآن، مجاز در قرآن، حدوث قرآن، مقاصد سور و آیات قرآن، پیوند قرآن و عترت، نزول قرآن، اسرار نزول تدریجی قرآن اولین آیات نازل از قرآن، آخرین آیات نازل از قرآن، معنای آیه، معنای کلمه، حرف، حزب و حدود به تفصیل گزارش شده است. قرآن کریم برای هدایت انسان و پی نهادن جامعه الهی و برین در بیست و سه سال و در سرزمین مکه و مدینه نازل شد بدین سان از کهنترین روزگاران قرآن پژوهان و حتی مورخان آیات قرآنی را به دو بخش مکی و مدنی تقسیم کرده اند و در اینکه معیار شناخت در این تفکیک چیست فراوان بحث کرده اند. در بخشی از این مجلد آرا مفسران از کهنترین روزگاران (هود بن محکم م ح ۲۸۰) تا علامه طباطبایی گزارش شده است (۳۱۸-۳۰۳) نامهای سوره های قرآنی توقیفی است یا اجتهادی، ریشه در نصوص دارد و یاد ر گذرگاه زمان و به

رفته است و از ابعاد آن و چگونگی معجز بودن آن و وجوه اعجاز و آرا مفسران در این باره به تفصیل گزارش شده است (۳۸۱-۵۷۰) بحث از ناسخ و منسوخ و حد و حدود آن بحث بعدی است و با سخنی کوتاه درباره «بداء» این مجلد پایان می‌یابد.

جلد سوم با بحث بسیار مهم «محکم و متشابه» آغاز می‌شود و با تبیین محکم و متشابه در کلام مفسران ادامه می‌یابد در پیوند با این بحث از «ظاهر و باطن» قرآن و چگونگی معانی آن سخن می‌رود و آنگاه از حکمت و راز وجود متشابه در قرآن و سپس از مصادیق محکم و متشابه در همه موارد آرا مفسران آمده است با توجه به سیر تاریخی آن (۱۱۶۷-۱۱) تفسیر قرآن کریم چیست، آیا قرآن تفسیر پذیر هست، تأویل قرآن چیست و چه فرقی با تفسیر دارد، مرزهای ترجمه، تفسیر و تأویل کدام است، آیا قرآن ترجمه پذیر است، و دانش تفسیر و اهمیت آن، بحثهایی است که در بخش دیگر از این جلد آمده است. و در ادامه آن نیاز به تفسیر قرآن، تفسیر به رأی و معنای آن، دانشهایی که مفسر بدانها نیازمند است، اختلاف در تفسیر و زمینه‌های آن، گزارش شده است. اسباب نزول، فوائد آن و نقش فهم آن در تبیین آیات الهی، قصه‌های قرآن و راز تکرار آنها، اسرائیلیات و زمینه‌های ورود آن به فرهنگ اسلامی و بویژه تفسیر، طبقات مفسران، بهترین شیوه‌های تفسیر و مهمترین کتابهای تفسیر در بخش پایانی این جلد آمده است با گزارش آرا مفسران.

مجموعه سه جلد «علوم القرآن عند المفسرین» که بدان سان که آمد بر پایه مقدمات تفاسیر سامان یافته است یکی از مجموعه‌های ارجمند و کارآمد علوم قرآنی است. بویژه آنکه در گزارش دیدگاهها و آرا سیر تاریخی آن لحاظ شده است و این در بازیافت چگونگی شکل گیری بحثها بسیار سودمند است و در یاری رسانی به پژوهشگر در دآوری سامان بخشیدن به بحثها کار آمد.

محمد علی غلامی

اجتهاد عالمان نهاده شده است، آرا مفسران در این زمینه در صفحات (۳۲۱-۳۳۴) گزارش شده است. جمع قرآن، نقطه گذاری قرآن، تناسب سوره‌ها و آیات در قرآن و تحریف ناپذیری قرآن از جمله بحثهای پایانی این مجلد است که آرا مفسران درباره آنها آمده است (۳۳۵-۵۸۷).

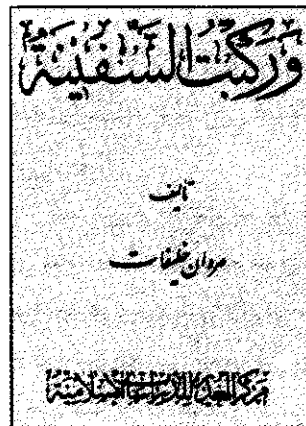
جلد دوم با بحث از قرائت آغاز می‌شود و در ضمن فصول مختلف این بحث از دانش قرائت و چگونگی آن وجوه اختلاف قرائتها، آثار اختلاف قرائتها، قاریان مشهور، بهترین قرائتها، معیار در قبول قرائتها، قرائتهای شاذ و حکم آن، چگونگی جمع قرائتها و تواتر قرائت بحث شده است. (۱۱-۷۳)

سخن مشهوری است منقول از رسول الله (ص) که: «نزل القرآن علی سبعة احرف» (بنگريد به كتاب: الأحراف السبعة و منزلة القراءات فیها، حسن ضیاء الدین عتر که بحثی است در از دامن در این باره، و البته با نگاه اهل سنت و فقط با تکیه بر منابع آنها) چگونگی نزول قرآن بر هفت حرف بحثهای بسیاری را برانگیخته است. مشکل آنگاه افزون شد که در قرن سوم هجری ابوبکر احمد بن موسی مشهور به ابن مجاهد کتاب «السبعة فی القرائت» را نگاشت و برخی پس از آن بر این پندار رفتند که «احرف سبعة» یعنی «قرائتهای هفتگانه» و حال آنکه روشن است این دو را به هیچ روی بلهیم پیوندی نیست. در بخشی از مجلد دوم آرا مفسران فریقین از کهنترین روزگاران تا کنون گزارش شده است (۱۲۷-۲۴۰) آنگاه سخن از تلاوت است و فضیلت تلاوت و آداب تلاوت و کلام مفسران در این باره و پس از آن تبه ای و اشاره ای به احادیث موضوع و مجعول درباره سوره‌ها و فضیلت و ثواب قرائت آنها (۲۴۱-۲۹۲) فضیلت حفظ قرآن، حکم روی تافتن از قرائت و حفظ قرآن، دانش تجوید و چگونگی آن در صفحات بعدی این جلد آمده است.

قرآن کتاب جاویدان الهی و آیات و حیانی مانند ناپذیر خداوند است. از آن روزگاران که گلبانگ آیات الهی فراز آمد و همگان را به هموردی خواند و در معبر تاریخ شکوهمند ایستاد تا کنون هرگز کسی توان هموردی با آنرا نداشته است و پس از این نیز نخواهد داشت. یکی از دلپذیرترین و ذوق انگیزترین بحثهای علوم قرآن، «اعجاز قرآن» و مانند ناپذیری آن است در بخشی از این مجلد از اعجاز سخن

ورکبت السفینه، مروان خلیفات، مرکز القدير للدراسات الاسلاميه

۱۴۱۸، ۶۷۰ص، وزیري.



رسول الله (ص) پس از بیست و سه سال سختکوشی در ابلاغ پیام الهی و تلاش در جهت گسترش حق، و کوشش در جهت روشنگری درباره «خلافت حق» و «حق خلافت» به سال یازدهم هجری زندگی را بدرود

گفت؛ و سوگمندانه آنچه را رسول الله (ص) بدان تأکید ورزیده بود و درباره آن بسی سخن گفته بود چهره نبست، و آرمان بلند رسول الله (ص) شکل نگرفت؛ و جامه خلافت با دیگرسانیها و دیگرگونیهایی بر قامت کسی دیگر کشیده شد. رسول الله (ص) از جمله در آن روشنگریها و حق گستریها اهل بیتش را به «کشتی نجات» تشبیه کرده بود تا مردمان بهنگام خروش امواج طغیانگر بدان در آیند و از اینکه دستخوش امواج فتنه شوند خود را ننگ دارند. اما چنان نشد، چرا؟ آقای مروان خلیفات که نام زیبای «ورکبت السفینه» را برای کتابش برگزیده است و با این گزینش نشان داده است که برای رهیدن از امواج به وصیت رسول الله (ص) عمل کرده است، در اولین بخش بحث نشان می دهد که چرایی آنچه در آغاز این نوشته آمد چونان سئوالی جدی در برابر وی قد کشیده بوده است. او برای یافتن پاسخ سئوال که «در فضایی عادی و در ضمن گفتگویی دوستانه برایش رخ می نماید به تأمل می نشیند، و سپس از خود سئوال می کند که پیروی از نگرش اشعری و مذاهب چهارگانه چرا؟! مؤلف اقولی از پیشوایان مذاهب گزارش کرده است که تقلید را مردود شمرده اند و کلام عالمان را آورده است که تقلید از مذاهب و بدیگر سخن حصر مذاهب را باطل دانسته اند آنگاه پرسیده است که آیا با این همه می شود از این مذاهب تقلید کرد و باب اجتهاد و درنگریستن در منابع و مآخذ و دست یافتن به آرا و اندیشه های کارآمد و روزآمد، را بست!

مؤلف در فصل اول این سئوال را طرح کرده است که آیا به آنچه ادعا می شود منهج سلف است می توان گردن نهاد؟! سپس این حقیقت صادق را باز می گوید که صحابیان و

تابعیان بر سر مسائل بسیاری بسی اختلاف کرده اند، اگر بنا باشد به آن سلف اقتدا کنیم با اینهمه تشتت آراء چه کنیم؟! و اگر نماد و نمود این سلف را در روزگاران واپسین ابن تیمیه بدانیم چنانکه برخی پنداشته و یا کوشیده اند بر پندارها تحمیل کنند با آنهمه جرح و نقدی که عالمان اسلامی درباره او روا دانسته اند چه کنیم؟! تا بدانجا که عالم و محدثی بزرگ چون ابن حجر گفت که به گفته های او گوش فراندهید... او هواپرستی است که چشم و گوش و قلبش را پرده ای ضخیم گرفته است. و یا گفت: «ابن تیمیه بنده ای است که خداوند خوارش ساخته و به گمراهی افکنده و چشم و دلش را کور ساخته است (الفتاوی الحدیثه، ابن حجر/ ۲۰۳ و ۱۱۴، ورکبت السفینه، ۱۰۱-۱۰۰) و بدین سان آیا می شود کمند پذیرش باورهای ابن تیمیه در بر خود افکنند؟! آیا باورهای او ما را به حق می رساند (۱۰۰) به بعد) در فصل دوم و با عنوان «ضیاع السنه» مؤلف ابتدا بر دانش گسترده و بی مانند علی (ع) تأکید کرده است و آنگاه نشان داده است که منع تدوین حدیث و جلوگیری از نشر آن ضایعه بزرگی بوده است که فرهنگ اسلامی با آن رویاروی شد، مؤلف در پرتو درایت تاریخی و تحلیل نقلها مختلف نشان می دهد که چه مقداری از سنت تباه شده است (۱۸۵-۱۱۹) آنگاه به این نکته می پردازد که اهل سنت صحابیان را به مرجعیت دینی پذیرفته اند، آیا این پذیرش استوار است، و صحابه یکسر دارای چنین موقعیتی می توانند داشته باشند؟ پاسخ مؤلف پس از بحثی دراز دامن و در پرتو اسناد تاریخی گزارشگر واقع های صادق زندگانی صحابیان، منفی است، او بحث را بدین سان عنوان بندی کرده است. صحابه بسیار اندک سئوال می کردند. دیگر آنکه کم روایت کرده اند، سه دیگر آنکه به منع تدوین و نشر حدیث همت گماشته اند، و بدین سان آیا می شود آنان را ناقلان سنت دانست و به مرجعیت آنها باور داشت؟

افزون بر این آنان حقایق بسیار اندکی از رسول الله فرا گرفته اند و این نکته را کسان بسیاری از آنان تصریح کرده اند از جمله عمر بن الخطاب که گفته است: دلمشغولیهای بسیار و گشت و گذارهای فراوان در بازار ما را از فراگیری سنت باز می داشت (صحیح البخاری، ج ۸/ ۱۵۷)

تا کسیدهای رسول الله (ص) آتش جنگ علیه علی (ع) را برافروختند و ...

در فصل هفتم زندگانی چهار تن از صحابه را در پرتو اسناد تاریخی گزارش کرده است خالد بن ولید، مغیره، ولید بن عقبه و معاویه بن ابی سفیان و با نشان دادن زشتیها و نارواییهایی از زندگانی آنان ناباورانه سؤال کرده است که آیا اینان می توانند مبلغان دین الهی و حافظان آیین خدایی باشند (۲۶۷-۳۰۴) در فصل هشتم دلایل اهل سنت بر عدالت صحابه را نقد کرده است و در فصل نهم این بحث را به میان آورده است که صرف همراهی و مصاحبت آیا ارزش است؟! و در فصل دهم اجتهادات ناروای صحابیان را در مقابل نصوص صریح قرآنی تحلیل کرده و نشان داده است که چه زمینه هایی باعث می شده است تا آنها بدین شیوه ها روی آورند.

مؤلف ارجمند پس از این سیر هوشمندانه، و نگاه نقادانه به منابع و مصادر فکری اهل سنت در آستانه آل الله قرار می گیرد، تا در برابر خورشید و خورشید سانان سر تعظیم فرود آورد او با تحلیل طرح فکری شیعه برای امامت و خلافت، نصوص و روایاتی را بر اساس منابع اهل سنت گزارش و تحلیل می کند که نشانگر استواری دیدگاه تشیع در ولایت و امامت است، مانند حدیث ثقلین، سفینه، علی مع القرآن و القرآن مع علی، علی مع الحق و الحق مع علی و ...

پس از آن دیدگاههای عالمان و فرهیختگان را گزارش می کند که با تأمل و تدبر دریافته اند که «صراط مستقیم» کجاست، و جایگاه «آل الله» در فرهنگ اسلامی چگونه است، و حق را باید از کجا دریافت.

پس از این در پی اثبات مرجعیت سیاسی اهل بیت (ع) روایاتی را گزارش و تحلیل می کند و به اجمال به زندگانی امامان (ع) می پردازد و اندکی از سخنان آن بزرگواران را نقل می کند و در پایان شبسه هایی را که اینجا و آنجا برخی می پراکنند آورده پاسخ می گوید و کتاب را پایان می دهد، آنچه در این صفحات آمد نگاهی بود بس گذرا به کتاب ارجمند آقای خلیفات. مؤلف که با تدبر و تأمل به آستانه آل الله (ع) پیوسته با نهایت دقت بحثها را سامان داده و کوشیده است در سامان دهی بحثها هرگز از اصول بحث و تحقیق

دیگر اینکه در نقل حدیث فراوان اشتباه می کردند و گاه فقط بخش پایانی حدیث را نقل می کردند و گاهی از دیگران می شنیدند و به رسول الله (ص) نسبت می دادند (۲۰۶ به بعد) بیافزاییم که بسیاری فراوان نقل کرده اند که شیوه نقل و گسترده گی آن ظاهراً در وضع و جعل تردید باقی نمی گذارد، دستکم اینگونه نقلها مشکوک است. (۲۱۴ به بعد)

کسانی مرعوب نقلهای کتابهای پیشین بوده اند و بسی «اسرائیلیات» در میان آثار اسلامی گسترده اند، گاهی آنچه از رسول الله (ص) شنیده بودند فراموش می کردند و خود به این فراموشی تصریح می کردند (۲۱۹ به بعد) گاهی پاسخی می گفتند و با تذکر دیگران و یا تنبه خود خطایشان بر ملا می شد، بر اساس آیات الهی صحابیانی به نفاق گراییدند و بر در کمند ارتداد گرفتار آمدند، و بر اساس نص روایتهای منقول در صحیحین رسول الله برخی را همیشه آتش دانست (۲۲۹ و ۲۳۰) و ...

با این همه آیا می شود بر آنچه صحابه می گویند خستو شد و به آنان مرجعیت داد؟! (۱۹۰/۲۳۶)

مؤلف که عمری را در بستر فکری اهل سنت گذرانده است خوب می داند که آنان این مرجعیت را به «عدالت صحابه» مستند می سازند؛ بدین سان او به نقد این تئوری می پردازد و بحث را از تعریف «صحابه» آغاز می کند و آنگاه صحابه را در آینه قرآن می نگرد، و نشان می دهد که بر اساس آیات الهی در میان صحابیانی کسانی بودند که نفاق ورزیدند و در ضربه زدن به آیین نوپای اسلامی کوتاهی نکردند (۲۴۳) در نگاه قرآن برخی از آنان گاه در اقامه صلوه کوتاهی می کردند و به زکاة تن نمی دادند، از سنت رسول الله (ص) پیروی نمی کردند و از او امر وی سرپیچی می کردند با این همه و نکات دیگر آیا می شود عدالت تمام آنان را بدون هیچ استثنایی پذیرفت (۲۳۹-۲۵۴) فصل بعدی و با عنوان «الصحابه فی حیاة النبی» ادامه همین فصل است و بیانگر کژ رویها و کج نگریهایی برخی از صحابه و رویارویی برخی با پیامبر (ص). (۲۵۷-۲۶۶)

در فصل ششم و با عنوان «صور من حیاة الصحابه» مؤلف صحنه هایی از زندگانی صحابیان را گزارش کرده است. آنان میراث زهرای اطهر را به تاراج بردند، و بر آتش زدن خانه زهرا (س) همت ورزیدند، و برخی برخلاف همه سفارشها و

سرباز نزنند و اسیر عواطف نگردد و بهیچ روی کلامی را بدون استناد نیاورد. کتاب آقای خلیفات برای همگان سودمند است بویژه برای آنان که آهنگ یافتن حق را داشته باشند.

علی محمد علوی

العلة فی اصول الفقه . شیخ الطائفة ابو جعفر محمد بن حسن بن

علی طوسی . تحقیق: محمد رضا

انصاری قمی . (چاپ اول:

نم، ۱۴۱۸ق / ۱۳۷۶ش). ۲ ج:

۱۰۰ ص + ۸۳۰ ص، وزیری.

اصول فقه از علوم پایه ای

است که تکیه گاه فقیه در

استنباط فروع فقهی از منابع

اولیه می باشد. به تعبیر

دیگر، هنگامیکه فقیه دست



خویش را از احکام واقعی کوتاه می بیند، به اصول و قواعدی روی می آورد تا بتواند به وسیله آنها احکام ظاهری را کشف نماید.

تاریخ پیدایش این دانش به قرون اولیه هجرت می رسد.

پس از وفات پیامبر اکرم (ص) بود که فقهاء و صحابه به علت

فقدان مرجع تشریح احکام، به اعمال برخی از قواعد اصولی

که از ادله عقلیه و لفظیه و سنت شریف پیامبر استفاده می شد.

مانند: حمل امر بر وجوب، نهی بر حرمت، و حمل عام بر

خاص، مطلق بر مقید و عمل به ظواهر کتاب و سنت و حمل

متشابهات قرآن بر محکومات آن، و اعتماد بر اجماع و خبر ثقه

و متواتر، روی آوردند و از آنها در استنباط حکم مسائل جدید

استفاده نمودند.

البته به کارگیری علم اصول در استنباط احکام، برای

اولین بار از سوی فقهای عامه آغاز شد و علت آن دوری ایشان

از مصدر تشریح بود. از آنجایی که آنان پس از پیامبر اکرم، از

اهلیت روی گردانیدند و در عین حال با مسائل مشکل بسیار

روبرو گردیدند، به ناچار به قواعد اصولی روی آوردند تا بدان

وسیله به استنباط احکام پردازند. اما شیعه امامیه با

برخورداری از سرچشمه زلال دانش ائمه اطهار در بی نیازی

کامل از این قواعد بودند و پاسخ هر مشکلی را از امامان علیهم

السلام دریافت می داشتند. هر چند در این زمان قواعد اصولی را از ائمه اخذ کرده بودند و روش استفاده از آن را نیز آموخته بودند که نمونه اش رساله «کتاب الالفاظ و مباحثها» از هشام بن حکم شیبانی کوفی (م ۱۹۹ق)، «کتاب اختلاف الحدیث» از یونس بن عبدالرحمن مولی آل یقطین، کتاب «الخصوص و العموم» و «کتاب فی خبر الواحد و العمل به» از حسن بن موسی نوبختی و کتاب «ابطال القیاس» از اسماعیل بن علی نوبختی است. اما به دلیل وجود امامان علیهم السلام - آنرا به کار نبرده بودند. با شروع عصر غیبت کبرای امام زمان (ع) و فقدان ارتباط با آن حضرت، قواعد عامه اصولی که در ابواب مختلف فقه متفرق بود، گردآوری شد که «التذکرة باصول الفقه» نوشته فقیه بزرگ شیعه شیخ مفید (م ۴۱۳ق) نمونه ای از آنست.

سپس دو تن از شاگردان برجسته مفید: سید مرتضی

(م ۴۳۶ق) و شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) با نگارش کتابهای وزین

و ارزشمند «الذریعة الی اصول الشریعة» و «عده الاصول»

مهمترین مجموعه مدون در قواعد و مبانی اصول فقه امامیه را

پس از دوران غیبت کبری و سپری شدن دوران فقیهان محدث

- تا زمان محقق و علامه حلی - پدید آوردند.

کتاب عده الاصول، اثر جاودان و فخیم شیخ الطائفة

همانند دیگر آثار او از قوت بیان و قدرت دلیل و استحکام

مبانی و ترتیب منطقی برخوردار است. شیخ در این کتاب،

نخست موضوع مورد بحث را مطرح می سازد و درباره آن به

غور و بررسی می پردازد و پیش از بیان آراء و نظرات خویش،

به دیدگاه فقها و اصولیون شیعه و سنتی اشاره می نماید و در

موارد بسیار با کلامی استوار و دلیلی پایدار نادرستی آنها را به

اثبات رسانیده و رأی خود را ثابت می کند.

این کتاب در بر گیرنده ۱۲ باب - و هر باب شامل فصول

متفاوت - است، که فهرست آنها عبارتند از:

۱. ماهیت اصول فقه و مسائل مربوط به آن. مانند: اقسام

خطاب، حقیقت علم و ظن و شک، دلالت و عقل و اماره،

حقیقت و مجاز و استعاره، لفظ مشترك و کنایه و صریح.

۲. خبر و اقسام آن، شروط قبول اخبار، ذکر خبر واحد و

ادله مخالفین و موافقین عمل به آن و تأیید عمل به خبر واحد.

۳. الکلام فی الاوامر

۴. الکلام فی النهی

زندگانی شیخ طوسی (ص ۵-۴۹)، تالیفات شیخ الطائفه (۴۹-۵۵)، پیرامون کتاب عدّه الاصول و بحثهای استطرادی دیگر مانند: نقش شیعه در پیدایش علم اصول، تطور علم اصول در امامیه، نقش شیخ در تکامل علم اصول، تطور علم اصول در امامیه، نقش شیخ در تکامل علم اصول، منهج شیخ طوسی در العده و مخطوطات کتاب (ص ۵۵-۸۵)

در این تحقیق از نسخه ای اصیل و نفیس، که تاریخ کتابت آن به اواسط قرن پنجم و تاریخ اكمال افتادگی های آن به سال ۵۱۸ق می رسد استفاده گردیده و متنی صحیح و شکیل ارائه شده است. برخی از مزایای این تحقیق عبارت است از: اشاره به مصادر اقوال، تحقیق نصوص فقهی، استخراج روایات و احادیث کتاب از مصادر شیعی و سنی، استقصاء اقوال و آراء تمام اصولیون عامه و مقارنه آن با نظرات اصولیون شیعه در مسائل مورد بحث، تحریر محل نزاع و تنقیح محل اختلاف، نقل حواشی ملاخلیل قزوینی در پاورقی، ترجمه احوال رجال حدیث و کسانی که در متن از آنها یاد شده است، تخریج آیات قرآنی و اشاره به محل آنها در تفاسیر مهم، شرح لغات غریبه، تصحیح الفاظ و اعراب گذاری موارد مهم، ارجاع موارد گذشته و آینده به مواضع اصلی آن، تعیین گویندگان اقوال مجهول و مصادر آن، فهرس دهگانه (که با رنگ قرمز از متن کتاب جدا شده است) آیات، روایات، آثار و گفتار صحابه، فهرست اعلام، طوائف و مذاهب، کتابها، اشعار، اماکن و جایها، منابع تحقیق و موضوعات.

توفیق بیشتر محقق محترم را از خداوند متعال خواستاریم.

ناصرالدین انصاری

○

۵. الکلام فی العموم والخصوص - این بخش که گسترده ترین مبحث کتاب است، در ۲۲ فصل از احکام عام و خاص بحث می نماید. شیخ در این فصل تمام دانش خویش را می نمایاند و با چیرگی و زبردستی فراوان ادله اصولیون پیش از خود را به نقد می کشد و سرانجام رأی خود را با استفاده از کتاب و سنت، لغت و دلیل آشکار می سازد. برخی از فقههای عامه و متکلمین آنان، که آراء ایشان در این بخش مطرح شده است، عبارتند از: ابوحنیفه، شافعی، داود بن علی ظاهری، مالک بن انس، ابوالحسن کرخی و محمد بن حسن شیبانی و هم: قاضی عبدالجبار، ابوعلی و ابوهاشم جبائی، ابوالقاسم بلخی و ابوعبدالله بصری.

۶. الکلام فی البیان و المعمل

۷. الکلام فی الناسخ و المنسوخ

۸. الکلام فی الافعال - و التأسی بالنبی (ص).

۹. الکلام فی الاجماع

۱۰. الکلام فی القیاس

۱۱. الکلام فی الاجتهاد

۱۲. الکلام فی الحظر و الاباحه.

این کتاب از آغاز تألیف تاکنون از مصادر مهم اصول فقه شیعه به شمار آمده و نسخه های بسیار آن، نشانگر اهتمام علمای ما به آن بوده است. اینک کتاب به صورتی زیبا و چشم نواز و با هزینه جناب مستطاب آقای حاج محمد تقی علاقبندیان به زیور طبع آراسته شده است.

محقق محترم، با کوشش درخور تقدیر خود کتاب را به صورتی منقح و همراه با مزایای فراوان تحقیق نموده و گنجی پربها را در دسترس ارباب فضل و دانش نهاده است. مقدمه پر مطلب و خواندنی آن - در ۱۰۰ صفحه که با رنگ قرمز از اصل کتاب متمایز گردیده است - شامل بحثهای متنوع و ارزنده ای می باشد که عبارتند از: